



رقص باله و رمز عشق



احسان صادقیان

جمیله خرازی بنیانگذار و مدیر توس فعالیت هنری خود را از کودکی در زمینه رقص و خوانندگی آغاز کرد. وی در دوران فعالیت خود در وزارت فرهنگ و هنر وقت، بخت همکاری با هنرمندان بنامی را داشته است. خانم خرازی تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته معماری و تجارت به پایان رسانیده و در زمینه کاری خود از جمله زنان ایرانی موفق به شمار می آید. وی گذشته از نهاد خیریه ای که سابقه درخشانی در انجام کارهای

نیکوکارانه دارد، بنیاد توس را به نازگی و به منظور اعتلای فرهنگ و هنر ایران تأسیس کرده است. این نهاد در عمر سه ساله خود بزرگداشت شاعر گرانقدر لعبت والا،

مروری بر صد سال ترانه سرایی در ایران و گرامیداشت نیما کیان بنیانگذار و سرپرست سازمان باله ایران را در کارنامه خود دارد.

روز یکشنبه ۹ مارس تجمع فوق العاده ایرانیان در لوگان هال لندن، گزارشگران در سطح شهر هفته نامه پرشین را نیز بدانجا کشانید تا از آنچه آنجا می گذشت بی خبر نمانند. حجم استقبال کنندگان به قدری بود که تا قبل از توزیع بلیتهای رزرو شده و سرشماری جاهای خالی و متقاضیان بی بلیت مانده، حتی ارائه کارت خبر نگاری هم دسترسی به بلیت ورودی را میسر نمی ساخت. امنیت سالن آنقدر کنترل شده بود که مامورین حتی ماشینهای پارک شده در خیابانهای اطراف را هم از نظر دور نمی داشتند و از ورود عکاسان که با هماهنگی از



سوی مدیر برنامه مسئولیت عکسبرداری از مراسم را به عهده داشت، به خاطر داشتن دستگاه فلاش ممانعت می کردند. البته حاصل این تلاشها برای ایجاد چنان نظم و هماهنگی، آرامش خاطری بود که تماشاچیان در طول برنامه داشتند و به این سبب لذت صد چندانگی که از تماشای چنان هنر نمایی شگفتی بردند.

از نقاط قوت برنامه اجرا به دو زبان فارسی و انگلیسی

بود که این خود نشانگر طیف گسترده مخاطبان برنامه های این بنیاد فرهنگی است. چنانکه حضور تماشاچیان خارجی در سالن مشهود و تأثیر پذیری آنها از زیبایی هنر ایرانی غیر قابل انکار بود. وقتی در انتهای برنامه مثلاً از زوج انگلیسی که در خیل تماشاچیان در حال خروج از سالن هستند می پرسیم از برنامه لذت برده اند یا نه، می گویند: « یک کار خیلی جدید و زیبا بود. البته باله قابلیت این را دارد که فرهنگهای مختلفی را انعکاس دهد ولی هماهنگ کردن موسیقی و حرکات به شکلی که مفاهیم را بیان کند، علاوه بر استعداد ذاتی نیاز به شناخت و مهارت دارد.» باز می پرسیم آیا دیدن این برنامه تأثیری بر نگاهشان با ایران داشته است و زیرکانه می شنویم که:

« ذهنیت خاصی درباره ایران نداشتیم چون آنچه در مطبوعات بازتاب پیدا می کند چهره واقعی ملتها نیست.»

رقصها با زیبایی هرچه تمامتر و با تطابق با مناسبتهای روز همچون روز زن و سال مولانا ترتیب داده شده بود و اجرای آنها بسیار حرفه ای صورت گرفته بود. رنگ آمیزی و طراحی لباسها، نور پردازی و طراحی صحنه همراه با موسیقی ایرانی که با حرکات باله و مفاهیم مورد نظر، هماهنگی چشمگیری داشت، فضایی کاملاً ایرانی به دست داده بود که باور وجودش در لندن دشوار بود.

گذشته از اجرای رقصها، بیان تاریخچه ای از رقص در ایران و توضیح مختصری از مفهوم هر رقص پیش از اجرای پرده ها، نه فقط برنامه را پربارتر کرده بود بلکه به جذابیتهای آن نیز افزوده بود. پیام تحسین و تجلیل شخصیتهای شامخ سیاسی و علمی که موفق به حضور در مراسم آن شب نگردیده بودند، تأکید مضاعفی داشت بر ارزش فعالیتهاى فرهنگی هنری این بنیاد.

تجلیل از نیما کیان، بنیانگذار و سرپرست سازمان باله ایران، در ترتیب اجرای برنامه، هوشمندانه پیش از اجرای صحنه آخر قرار گرفته بود و نمایش تصاویری از زندگی و سابقه ایشان مانع از کسالت آور شدن سخنرانی ها بود.

نیما کیان در سال ۱۹۷۰ (۱۳۴۹ هجری شمسی) در تهران متولد شد. در سن ۱۳ سالگی به تحصیل در رشته نقاشی، خطاطی و گرافیک در هنرستان هنرهای تجسمی روی آورد. کوتاه زمانی پس از مهاجرت به سوئد، در پی علاقمندی به رقص باله به آکادمی باله گوتنبرگ راه یافت. سپس تحصیلات تکمیلی خود را در شاخه های مختلف باله در فرانسه ادامه داد. او علاوه بر داشتن تجربیات گسترده ای در زمینه های مختلف فرهنگی و هنری به شش زبان زنده دنیا آشنایی دارد و این توانایی منابع گسترده ای را در دسترس او قرار داده است. وی در سال ۱۹۹۸ سازمان باله ایران را با فعالیتهاى بین المللی تأسیس کرد.

در آنتراک برنامه فرصتی دست داد تا سری به پشت صحنه بزنیم. خانم خرازی با وجود مشغله فراوان به استقبال ما آمده بود. از دیدن چهره ایشان و افرادی که هر طرف در تک و دو بودند و گاه و بی گاه از خانم خرازی کسب تکلیف یا مشاوره می کردند، نمایان بود که ایشان همه چیز را برای لحظاتی رها کرده تا مقدمات حضور ما را بچینند. به محض ورود به دنبال جایی می گردیم که برای مصاحبه مستقر شویم. نگاهی به مبل و میز میان سالن و کاغذها و جداولی که روی آن پهن است می اندازیم تا محلی برای قرار دادن وسائلمان پیدا کنیم که خانم خرازی ناکهان می - گوید: « می بینید، اینها دلشوره ها و اعصاب خوردیهای من است.» و ادامه می دهد که شایعه شده در خیابانهای اطراف ماشینی با چند بسته مشکوک پیدا کرده اند و پلیس را از این ماجرا مطلع؛ که این هم دل مشغولی دیگری شده است مضاف بر بقیه تا بدون ایجاد تشویش و اضطراب بین مردم با پلیس هم همکاری لازم صورت بگیرد. در این میان آقای کیان را میابیم که متن سخنرانی اش را مرور می کند. از ایشان درخواست وقتی برای مصاحبه می کنیم و او با نگاه به شلوغی اطراف، تنها اتاق گرمی که از نگاه رقصندگان در حال آماده سازی خود دور مانده است را برای گفتگوی کوتاه اما به یاد ماندنی انتخاب می کند. متن مصاحبه از این قرار است:

س: آقای کیان برای اجرای برنامه امشب چقدر وقت صرف تمرین کرده اید؟

ج: باله سرزمین فیروزه و دیگر آثاری را که مشاهده کردید، دو ماه برای طراحی و سه ماه برای تمرین وقت برده است.

س: برای طراحی لباسها و صحنه آرای، از چه منابعی بهره گرفته اید؟

ج: چنانکه در طول برنامه هم ذکر شد منابع سنتی رقصهای ایرانی که امروزه موجود هست بر می - گردد به انواع رقصهای عامیانه که معمولاً به عنوان روحوضی یا مطربی شناخته شده است و در دوره قاجاریه مرسوم بوده. همچنین ما رقصهای قومی ایرانی را داریم که ریشه در نحوه زندگی سنتی آنها دارد و بیانگر آداب و رسوم قومی است. بعضی از رقصها نیز مانند رقص مولانا مولانا برگرفته از اندیشه خاصی است که در اینجا مقصود صوفیه است.

س: بیشتر رقصنده های شما غیر ایرانی هستند؛ برای آموزش و آشنا کردن آنها با فرهنگ ایرانی مشکلی نداشتید؟

ج: خیر، افرادی که در طول شش سال فعالیت سازمان باله ایران به عضویت این سازمان در آمده اند، توفیق این را داشته اند که هم مبانی کلاسیک باله را بیاموزند و هم با فرهنگ یک ملت شرقی آشنا شوند.

س: اشاره فرمودید به سازمان باله ایران. ممکن است بفرمایید این سازمان در کجا به ثبت رسیده و دامنه فعالیت آن چیست؟

ج: سازمان باله ایران در کشور سوئد به ثبت رسیده و در همانجا نیز متمرکز است. رقصنده هایی هم که اینجا می بینید از اعضای این سازمان می باشند.

س: در برنامه هایتان چقدر از رقصنده های ایرانی استفاده می کنید؟

ج: رقصنده های ایرانی نداریم یا بسیار کم هستند. به همین دلیل شرط عضویت در سازمان، ایرانی بودن نیست. بلکه به رقصنده ها می آموزیم که حرکات ایرانی را هم اجرا کنند. در واقع، حرکات ایرانی را با باله کلاسیک ترکیب می کنیم و نتیجه آن چیزی می شود که امشب ملاحظه می فرمایید.

س: فکر می کنید چرا ایرانیان به رقص باله توجه کمتری دارند؟

ج: ایرانیهایی که در خارج از ایران زندگی

می کنند اکثرا دوستدار رقص و موسیقی هستند، غالباً تعصب مذهبی هم ندارند و خوب ممنوعیت سیاسی و حقوقی هم برای آنها وجود ندارد. چه دلیلی وجود دارد که به عضویت در سازمان باله علاقمندی نشان نمی دهند؟ این مورد خاص مربوط می شود به فرهنگ رقص. متأسفانه در فرهنگ ایرانی رقص مترادف با ابتذال شده است و خانواده ها فرزندانشان را به آموختن باله ترقیب نمی کنند.

س: به نظر شما همین نداشتن فرهنگ رقص علت مخالفت با رقص قبل از انقلاب و متوقف کردن این فعالیت هنری بعد از انقلاب نشد؟

ج: دقیقاً همینطور است؛ مترادف با تجدد خواهی آن دوران رقص هم به ایران آمد ولی زیربنای فرهنگ آن چیده نشده بود. به همین دلیل رقص هیچگاه در ایران جایگاه خود را پیدا نکرد و آن رقص هم که در ایران فعال بود در میان قشر خاصی از جامعه بود.

س: در طی برنامه به مخالفت مذهب با هنر رقص اشاره شد ولی عملاً بارقه های مذهبی و یا فرهنگی که ریشه در مذهب دارد در باله ای که شما به روی سن برده اید مشاهده می شود. این مقایرت را چگونه توجیه می کنید؟

ج: من بر می گردم به همان صحبت اول خودم که فرهنگ رقص در ایران وجود ندارد. اگر فرهنگ رقص در کشور ما مترادف با ابتذال نباشد، حتی در دوران کنونی هم به روی سن بردن و نمایش دادن آثاری که در تضاد با معیارهای فعلی جامعه نباشد، بی هیچ مشکلی مقدور است. از سوی دیگر اسلام اگرچه دین اکثر مردم ایران



است ولی یک فرهنگ از فرهنگهای متعدد ایرانیست که می تواند در هنرهای مختلف از جمله باله نمود پیدا کند.

س: وقت شما را زیاد گرفتیم آقای کیان ولی سوال دیگری که از حضورتان داریم این است که باله چقدر می تواند به رشد رقص های ایرانی کمک کند؟

ج: صد در صد خیلی. باله زبان علمی رقص است؛ یعنی هر رقصنده ای از هر کجای دنیا که بخواهد وارد این هنر بشود باید زبان علمی آن را بیاموزد که باله کلاسیک می باشد. وقتی این زبان را آموختند، ترکیب آن با فرهنگهای مختلف بسیار آسان می شود. همانطور که الان باله مصر وجود دارد که در آن آثار ادبی آنها منعکس شده؛ یا مثلاً باله چین یا باله آذربایجان یا باله هر کشور دیگری.

در مجموع ضمن سپاسگزاری و قدردانی از دست اندکاران بنیاد توس که علی رغم مشکلات بسیار برای معرفی و ارتقاء فرهنگ ایرانی تلاشی بی دریغ دارند، باید افزود که سرکار خانم خرازی این بار نیز تندیس فردوسی را به دست صاحبش سپردند. تندیزی که ارزشش را از نام بلند فردوسی می گیرد و این سابقه بنیاد توس است که جایگاه این تندیس و افتخار دریافتش را برای دریافت کنندگانش ارتقاء می بخشد.